

اسناد مکتوب از عدم توازن فاحش داده‌ها و ستانده‌های توافق لوزان حکایت می‌کند

بیانیه روز ۱+۱۲

بی نوشت:



دارد که ایرانی‌ها باید انجام دهند و این مساله می‌تواند طرف ۴ ماه تا یک سال انجام شود. من نمی‌توانم به طور دقیق اعلام کنم چه زمانی. با این حال زمانی که این اقدامات صورت گرفت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز آن را تایید و اعلام کرد ایران مسؤلیت‌های هسته‌ای خود را اجرا کرده است ما می‌توانیم در این باره قضاوت کنیم که چه زمانی مراحل تسکین تحریم‌ها آغاز شود. ما به طور صریح اعلام کرده‌ایم این مساله با تعلیق تحریم‌های اقتصادی و مالی در آن برهه زمانی آغاز خواهد شد. بنابراین این مساله بخشی از ماهیت هر گونه مذاکرات است که در ازای محدودیت‌هایی که ایران به اجرا می‌گذارد، در واقع از همان ابزاری که برای آوردن ایران به میز مذاکره استفاده کردیم و زمانی که به هدف خود دست پیدا کردیم لغو تحریم‌ها آغاز خواهد شد و این زمانبندی هنوز مورد مذاکره قرار نگرفته است اما تحریم‌های مالی و اقتصادی و بانکداری تحریم‌هایی هستند که رئیس‌جمهور متعهد شده است پس از پایان مرحله نخست آنها لغو کند و ما در مرحله بعد وارد اجرای این مرحله خواهیم شد^{۱۲}. این عبارت حیاتی است. مقصود کری به روشنی این است که آمریکا تحریم‌های اقتصادی را زمانی تسکین خواهد داد که زمان گریز هسته‌ای ایران به یک سال رسیده باشد و این دیگر به ایران بستگی دارد که با چه سرعتی این کار را بکند؟! این ظاهراً همان زمانی است که طرف ایرانی در بیانیه توجیهی خود آن را در عبارتی که متاسفانه باید گفتم بشدت غیر صادقانه است، «زمان آماده‌سازی» نامیده است!

درباره قطعنامه‌های شورای امنیت هم کری در پایان تاکید می‌کند اساساً آمریکا در توافق چارچوب، درباره تحریم‌های شورای امنیت تعهدی نداده است: «در حال حاضر تعهد این است که تحریم‌های اقتصادی و مالی در ازای اقدامات ایران لغو شود. فرای آن درباره تحریم‌های موشک‌های بالستیک باید بگویم این مساله همچنان برای مذاکره باقی است^{۱۳}». متأسفانه باید گفت این یک وضعیت کاملاً فاجعه‌بار درباره تحریم‌هاست. تعهدات طرف مقابل در این باره مطلقاً شفاف نیست، هیچ لغوی وجود نخواهد داشت، همه چیز مشروط به انجام تعهدات کلیدی از سوی ایران و تایید آن از سوی آژانس است، آژانس می‌تواند در

هر بار گزارش دهی نوبه‌ای خود درباره میزان پایبندی ایران به تعهداتش، موضوع تعلیق تحریم‌ها را با تنش شدید مواجه کند و موضوع نحوه لغو تحریم‌های شورای امنیت - نه قطعنامه‌های شورای امنیت - به عنوان اصلی‌ترین مساله هم هنوز محل اختلاف است، ضمن اینکه می‌دانیم قطعاً فوری نخواهد بود (چرا که کری می‌گوید در این باره زمان‌بندی محل اختلاف است).

نهم - خاتمه

من ترجیح می‌دهم این متن را بدون جمع‌بندی به پایان ببرم. در نوشته‌هایی دیگر، به جای شیوه تحلیلی که در اینجا از آن بهره برده شده - که اساساً نوعی تحلیل متنی است - بر دانسته‌ها، به رغم همه زحماتی که بی‌شک تیم مذاکره‌کننده توافق لوزان، در بهترین حالت نگران‌کننده و در بدترین حالت فاجعه‌بار است.

جز در موضوع اراکه، این توافق در هیچ موضوع دیگر، حتی به طور تلویحی به خطوط قرمزی که تیم مذاکره‌کننده خود برای خود ترسیم کرده بود پایبند نیست و با هیچ فرمولی نمی‌توان از حیث معادله داده - ستانده آن را یک توافق متوازن دانست. به رغم همه زحماتی که بی‌شک تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای کشیده در اینجا نشانی از یک پیروزی بزرگ دیده نمی‌شود در حالی که آمریکا به اعتراف کری و اوپاما آنچنان در موضع ضعف قرار داشته و دارد که بتواند در مقابل با آن یک پیروزی بزرگ به دست آورد. هنوز هم دیر نشده است. اگر چشم‌ها شسته و نقطه‌های دید عوض شود، می‌توان آمریکایی را که به اعتراف خودش هیچ گزینه جایگزینی برای توافق ندارد به زانو درآورد اما این نمی‌تواند براساس متونی همچون توافق لوزان یا ژنو استوار شود. پایه و اساسی دیگر و مدلی متفاوت باید جست‌وجو کرد.

بالیستیک سازمان ملل علیه ایران است^{۱۴}. سوال این است که در حالی که موضوعی به این مهمی، یعنی زمان‌بندی برداشتن شدن قطعنامه‌های شورای امنیت، هنوز حل نشده، چرا طرف ایرانی در حوزه هسته‌ای این همه تعهدات حیرت‌انگیز را پذیرفته است؟!

مطابق متن منتشر شده از سوی آمریکا، قطعنامه‌ای که برنامه جامع مشترک اقدام را تایید می‌کند، هم‌زمان، محدودیت‌های مهم (Important restrictions) در حوزه‌های موشکی، نظامی و بازرسی بر ایران اعمال می‌کند. این در واقع پدیده‌ای است که این قطعنامه، تحریم‌های اشاعه و تسلیحاتی را دوباره اعمال کرده و تنها خاصیت آن این است که تعهدات ایران در برجام را الزامی می‌کند و مهم‌تر، می‌تواند به این بهانه‌ها دوباره اعمال تحریم کند.

Important restrictions on conventional arms and ballistic missiles, as well as provisions that allow for related cargo inspections and asset freezes, will also be incorporated by this new resolution.

جالب است که از حیث عبارات هیچ اتفاق نظری میان متون موجود در زمینه اتفاقی که دقیقاً برای تحریم‌ها خواهد افتاد وجود ندارد. این نکته بسیار مهمی است. مجموعه این متون - چنانکه بالاتر گفتیم - در مواردی که مربوط به تعهدات ایران است تقریباً بالای ۹۵ درصد همدیگر را تایید می‌کنند اما وقتی نوبت به برداشتن شدن تحریم‌ها می‌رسد، اختلاف‌های حیرت‌انگیزی میان روایت طرف ایرانی و طرف غربی وجود دارد. در بیانیه می‌گوید تحریم‌های اتحادیه خاتمه می‌یابد (terminate) اما تحریم‌های آمریکا هم زمان (simultaneously) با پایبندی راستی‌آزمایی شده ایران به تعهدات کلیدی‌اش متوقف می‌شود (will cease). در حالی که بیانیه ایران می‌گوید این تحریم‌ها لغو خواهد شد. (will be lifted)

همچنین بیانیه ایران می‌گوید همه تحریم‌های اقتصادی یکپارچه فوراً لغو خواهند شد (lifted all at once) در حالی که نه در بیانیه و نه در متن آمریکا مطلقاً چنین چیزی وجود ندارد. اوپاما هم از واژه تسکین استفاده می‌کند: «در ازای این اقدامات ایران، جامعه بین‌المللی توافق کرده است که شماری از تحریم‌های مشخص ایران را تخفیف دهد^{۱۵}».

جان کری هم همین واژه را به کار برده است. وی می‌گوید: «ما و شرکای بین‌المللی خود به طور مرحله‌ای تحریم‌هایی که اقتصاد ایران را تحت تأثیر قرار داد تسکین خواهیم داد و اگر ما در هر نقطه‌ای متوجه شویم، تحریم‌ها به سرعت باز خواهد گشت^{۱۶}».

اما همه اینها در مقابل چیزی که در اینجا می‌خواهم بر آن تاکید کنم، بی‌اهمیت است. کری در سخنانی که بلافاصله پس از اعلام توافق داشته نکته بسیار مهم‌تری را هم مورد تاکید قرار می‌دهد و آن این است که می‌گوید بین ۶ ماه تا یک سال طول خواهد کشید تا پایبندی ایران به تعهداتش روشن شود و تازه پس از آن است که غرب اجرای تعهداتش در زمینه تحریم را آغاز خواهد کرد: «حدود ۶ ماه تا یک سال زمان می‌برد که ایران به گام‌ها و اقداماتی که در زمینه هسته‌ای باید صورت دهد، پایبندی خود را نشان دهد تا پس از آن وارد مراحل توافق شویم. این اقدامات باید نخست انجام شود. هم‌زمان توافق موقت که معروف به طرح مشترک اقدام است همچنان به طور کامل اجرا خواهد شد^{۱۷}».

او در ادامه مقصود خود را روشن‌تر توضیح می‌دهد و می‌گوید ایران ابتدا باید زمان گریز هسته‌ای خود را به یک سال برساند و بعد تعلیق تحریم‌ها با تحریم‌های اقتصادی آغاز خواهد شد که این امر می‌تواند ۴ ماه تا یک سال انجام شود. جملات وی چنین است: «درباره تحریم‌ها نیز باید بگویم همانطور که گفتیم لغو تحریم‌ها مرحله‌ای خواهد بود، مجموعه‌ای از ملزومات وجود دارد که به عنوان مثال یکی از آنها برچیده شدن شماری از سانتریفیوژها و تسلیحات زیرساخت مشروط به

سانتریفیوژهاست. ایران مسؤلیت دارد که زمان فرار هسته‌ای خود را به یک سال برساند و می‌تواند این مساله را سریع‌تر نیز انجام دهد و من تصور می‌کنم که این اقدام را سریع‌تر انجام دهد. با این حال فکر می‌کنم این مساله به میزان کاری بستگی

ادامه از صفحه ۱۳

جالب است که تیم ایرانی در این مورد، حتی الزامات قوانین داخلی کشور را هم رعایت نکرده است. مطابق قانون منع اقدامات داوطلبانه مصوب مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۵ انجام هرگونه اقدام داوطلبانه از سوی ایران ممنوع است ولی بیانیه طرف ایرانی می‌گوید پروتکل بدون تصویب در مجلس شروع به اجرا خواهد شد!

(Iran will implement the Additional Protocol temporarily and voluntarily in line with its confidence-building measures)

این متن در حوزه بازرسی‌ها هیچ نسبتی با حقوق و تعهدات ایران طبق آن بی‌تی ندارد. اساساً این متن طوری نوشته شده انگار ایران عضو آن بی‌تی نیست و هرگز نبوده است و این یعنی ایران یک استثنای کامل از معاهده NPT است. پذیرش این مدل از بازرسی، خود به این معناست که تیم ایرانی متهم بودن یا حداقل در معرض اتهام قرار داشتن برنامه هسته‌ای ایران را تا زمانی نامشخص در آینده دور قبول دارد و به غرب حق می‌دهد که با این برنامه به عنوان یک برنامه مشروع و عادی رفتار کنند. وقتی ما خود درباره خویش چنین می‌اندیشیم، از دشمن چه انتظاری داریم؟

هفتم - PMD

موضوع بعدی که باید در اینجا به آن پرداخت این است که توافق لوزان تا چه حد توانسته برنامه‌های دفاعی غیر هسته‌ای ایران را از گزند دست‌اندازی غرب مصون نگه دارد؟ در عبارت دیگر سوال این است که مذاکره‌کنندگان در لوزان تا چه میزان به خط قرمز عدم ورود به برنامه‌های نظامی متعارف ایران پایبند بوده‌اند؟ غرب، از همان روز نخست بحران هسته‌ای، تلاش کرده است نگرانی‌های ادعایی درباره برنامه هسته‌ای را بهانه و ابزاری برای ورود، دست‌اندازی، کسب اطلاعات و اگر نتوانست محدودسازی و خرابکاری در برنامه نظامی متعارف ایران قرار دهد. دقیقاً به همین دلیل، موضوعاتی مانند PMD ساخته شد تا پلی میان برنامه هسته‌ای و برنامه دفاعی متعارف ایران ایجاد کند و بحران را از یکی به دیگری منتقل کند.

حداقل وظیفه‌ای که یک توافق جامع هسته‌ای بر عهده دارد این است که راه‌ها را بین بهانه‌جویی‌ها و سندسازي‌ها را مسدود کند. در واقع، اگر قرار باشد ایران پس از موضوع تحریم‌ها و تحقیق و توسعه فقط یک مطالبه دیگر در حوزه هسته‌ای داشته باشد، به عقیده من آن مطالبه باید متوقف شدن فرآیند سندسازي و توطئه‌چینی علیه برنامه هسته‌ای ایران از سوی سرویس‌های اطلاعاتی غربی با توسل به بهانه‌هایی مانند PMD باشد. باز ماندن PMD، به معنی باز ماندن همه آن مسیرهایی است که تاکنون توطئه‌ها و خرابکاری‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران از طریق آن انجام شده است. بدتر از این، باز ماندن موضوع PMD راه را برای بهانه‌جویی‌های بی‌دری آژانس - که در توافق نهایی خصوصاً در زمینه تعلیق تحریم‌ها به عنوان یکی از داوران اصلی تعیین شده - باز می‌گذارد و هر لحظه به غربی‌ها این امکان را می‌دهد که با سندسازي و طرح ادعاهای جدید، انجام همه تعهدات خود را متوقف کنند. یک موضوع سیاسی است و فیصله آن هم باید در یک توافق سیاسی جست‌وجو شود اما این موضوعی است که نه تنها در توافق لوزان رخ نداده، بلکه در این توافق هم به PMD مشروعیت

داده شده، هم ایران پذیرفته است که در این زمینه به نگرانی‌های آژانس بپردازد و هم تعلیق تحریم‌ها بویژه تحریم‌های شورای امنیت به این موضوع مشروط شده است.

متن منتشر شده از سوی آمریکا می‌گوید PMD باز می‌ماند و ایران مجموعه‌ای مسدود توافق از اقدامات (agreed set of measures) را برای رفع نگرانی‌های آژانس در این باره انجام خواهد داد. چنانکه بالاتر گفتیم باز ماندن PMD یعنی باز ماندن اصلی‌ترین عامل

بهانه تراشی و توطئه علیه برنامه هسته‌ای ایران. با این همه امتیاز که ایران در موضوع هسته‌ای واگذار کرده حداقل این موضوع باید بسته می‌شد. این یعنی اساساً مساله اصلی حل نشده است. مطابق ادعای آمریکا لغو قطعنامه‌های شورای امنیت مشروط به اقدام برای پرداخت به نگرانی‌های آژانس در این باره شده است. جالب است که حتی بیانیه مشترک هم به این موضوع تاکید دارد. در بیانیه مشترک گفته شده است دسترسی‌های فرارپروتکلی آژانس از جمله برای رسیدگی به مسائل حال و گذشته است. هر کسی که با ادبیات کاری جاری میان ایران و آژانس اندکی آشنا باشد، می‌داند که مساله‌ای جز PMD در گذشته برنامه هسته‌ای ایران باقی نمانده است. اوپاما هم در سخنرانی خود می‌گوید به PMD رسیدگی خواهد شد: **Iran's past efforts to weaponize its program will be addressed**

در یک بیان کاملاً خلاصه، باز ماندن PMD و محور شدن آژانس در این مورد (بوخاندن اسرائیل) به معنای انتقال بحران از سازمان انرژی اتمی به وزارت دفاع و از بخش هسته‌ای به بخش نظامی متعارف است. مخصوصاً اگر این موضوع کنار آن بخشی از متن منتشر شده از سوی آمریکا قرار داده شود که می‌گوید آژانس به صرف نگرانی درباره وجود یک تالیسات مشکوک می‌تواند به هر نقطه‌ای از کشور دسترسی پیدا کند.

همچنین در بخش دیگری از متن آمریکا تاکید شده که یک قطعنامه شورای امنیت در حوزه‌های نظامی متعارف و موشکی محدودیت‌هایی بر ایران تحمیل خواهد کرد که این هم مشخصاً به معنای مشروعیت یافتن فشار بر ایران در این حوزه است. پایبند تر - حین بحث درباره تحریم‌ها - به این مساله خواهیم پرداخت.

هشتم - تحریم‌ها

آخرین و مهم‌ترین مساله البته مساله تحریم‌هاست. تیم ایرانی مدت‌هاست ادعا می‌کند هدف اصلی آن از مذاکرات برداشتن تحریم‌هاست. در واقع این عبارت همواره به گونه‌ای بیان شده است که گویی تیم هسته‌ای عقیده دارد آنچه در اصل موضوعیت دارد برداشتن تحریم‌هاست نه حفاظت از برنامه هسته‌ای ایران. حتی ادبیات آقای رئیس‌جمهور در این مدت به گونه‌ای بوده است که گاهی تصور می‌شد ایشان ارائه هیچ حجمی از امتیازهای هسته‌ای را در ازای برداشتن تحریم‌ها «زیاد» نمی‌داند. دولت موضوع برداشتن تحریم‌ها را بدل به مساله محوری در سیاست خارجی خود کرده و عملاً در ۱۸ ماه گذشته همه چیز را در کشور به این موضوع گره زده است. بنابراین بسیار مهم است که ببینیم در ازای امتیازات کاملاً حداکثری که در حوزه هسته‌ای داده شده، در حوزه تحریم چه چیز عاید ملت ایران شده است؟ برای مردم کوچک و بازار نیز بی‌گمان هیچ سوالی از این مهم‌تر نیست. سوگندنامه باید گفت توافق لوزان از این حیث بسیار نگران‌کننده است. اگر خط قرمز ترسیم شده برای تیم مذاکره‌کننده ایران این بوده باشد که باید همه تحریم‌ها به طور یکجا و یکپارچه بلافاصله پس از امضای توافق لغو شود، هیچ کس، با هیچ ذره‌بینی، قادر به یافتن این امر درون متونی که از توافق لوزان در اختیار داریم نخواهد بود. حداکثر چیزی که در این متون وجود دارد، یک سیستم مبهم، مشروط، بشدت غیر قابل اعتماد و به هم ریخته از تسکین تحریم‌هاست که هیچ ضمانتی هم برای تحقق عملی آن وجود ندارد.

■ **اجازه بدهید ببینیم چه اتفاقی افتاده است؟**

۱- واژه‌ای که به طور گسترده در متون موجود مورد استفاده قرار گرفت، تخفیف (sanctions relief) تحریم است و جز در بیانیه طرف ایرانی هیچ کجا از جمله در متن بیانیه مشترک خبری از لغو (Lift) تحریم‌ها نیست بلکه برعکس، در موارد متعدد بر خلاف آن تصریح شده است.

۲- متن منتشر شده از سوی آمریکا را درباره تحریم‌ها بسیار باید جدی گرفت، چرا که این آمریکاست که باید تحریم‌ها را بردارد و آمریکا هم در این مورد، قاعدتاً مطابق تفسیر خویش عمل خواهد کرد نه براساس خوش‌بینی‌های دوستان وزارت امور خارجه و دولت.

متن آمریکا می‌گوید پس از اینکه ایران همه اقدامات کلیدی (all of its key nuclear-related steps) را که باید انجام دهد انجام داد (به تایید آژانس)، اروپا و آمریکا تحریم‌های صرفاً هسته‌ای را تعلیق می‌کنند. می‌بینیم که تعلیق تحریم بعد از از تایید اقدام ایران از سوی آژانس خواهد بود. این متن تصریح می‌کند معماری تحریم‌ها مرتبط با هسته‌ای ایالات متحده در بخش اعظم دوره توافق (for much of the duration of the deal) حفظ می‌شود و این یعنی زیرساخت قانونی تحریم‌ها در آمریکا در بخش اعظم این ۱۰ سال دست نمی‌خورد.

همچنین لغو قطعنامه‌های شورای امنیت مشروط شده به اقدام ایران در پرداختن به همه نگرانی‌های کلیدی از جمله PMD. این یعنی هیچ لغو فوری در این حوزه رخ نخواهد داد. در حالی که بیانیه ایران هیچ اشاره‌ای به این شروط نمی‌کند. کری در سخنرانی خود صریحاً می‌گوید این امر یک زمان‌بندی خواهد داشت که هنوز توافق نشده است: «ما هنوز جزئیات فنی بسیاری داریم که در دو طرف باید روی آن کار کنیم و حتی موضوعات دیگری وجود دارد که ما اذعان داریم که باید هنوز حل و فصل شود. به عنوان مثال، (یکی از این موضوعات) مدت زمان محدودیت‌های تسلیحاتی و موشک‌های

مجموعه این متون - چنانکه بالاتر گفتیم - در مواردی که مربوط به تعهدات ایران است تقریباً بالای ۹۵ درصد همدیگر را تایید می‌کنند اما وقتی نوبت به برداشتن شدن تحریم‌ها می‌رسد، اختلاف‌های حیرت‌انگیزی میان روایت طرف ایرانی و طرف غربی وجود دارد

متن منتشر شده از سوی آمریکا را درباره تحریم‌ها بسیار باید جدی گرفت، چرا که این آمریکاست که باید تحریم‌ها را بردارد و آمریکا هم در این مورد، قاعدتاً مطابق تفسیر خویش عمل خواهد کرد نه براساس خوش‌بینی‌های دوستان وزارت امور خارجه و دولت